

مصاحبه با مریم بهروزی درباره
لایحه ازدواج موقت و حواشی آن

ازدواج موقت برای جلوگیری از انحرافات اجتماعی است

شیوا فراهانی: بحث و جدل پیرامون ازدواج موقت در سال‌های پس از انقلاب همواره در کشور ما وجود داشته است. با طرح لایحه‌ی حمایت از خانواده در سال ۱۳۸۶ بحث درباره‌ی ازدواج موقت ابعاد وسیع‌تری پیدا کرده است. از آن جایی که ازدواج موقت یا متعه یک مسئله‌ی فرهنگی و مذهبی به حساب می‌آید بر آن شدیم تا گفت‌وگویی را با دکتر مریم بهروزی دبیر کل جامعه‌ی زینب و یکی از منتقدان ماده ۲۳ لایحه‌ی حمایت از خانواده (که در خصوص ازدواج موقت است) بوده است در این خصوص انجام دهیم. شرح مباحث این گفت‌وگورا در زیر می‌خوانید.

توضیحاتی در خصوص جایگاه ازدواج موقت در دین اسلام

بفرمایید؟

اصل در دین اسلام ازدواج دائم با یک همسر است. که زن و مرد دارای حقوق معین و عادلانه هستند. شارع مقدس اسلام در بدو تشکیل خانواده و هم در ادامه‌ی زندگی خانوادگی احکام کامل و قانون راه گشا دارد. در رسالت اصلی نظام اسلامی در جهت محقق نمودن آرمان‌های اسلام اصلاح امر ازدواج و استحکام خانواده است. لذا خداوند به جامعه‌ی اسلامی و خانواده‌ها به ویژه نظام حاکم امر فرموده: نکاح بین زنان و مردان صالح برقرار کنید و وسایل ازدواج آن‌ها را فراهم سازید، اگر فقیر باشند خداوند آن‌ها را از فضل خود بی‌نیاز می‌کند و این وعده‌ی زیبای خدا است که نکند به خاطر فقر از زیر بار ازدواج شانه خالی کنند، زیرا خدا رزق و روزی آن‌ها را گشایش می‌دهد و چون علیم است به قدر صلاحیت و نیاز آن‌ها می‌دهد. (سوره نور آیه ۳۲)

برای ازدواج مردان و زنان بی همسر و هم‌چنین غلامان و کنیزان درست کارتان همت گمارید.

مراذ از زنان و مردان بی همسر تنها دختر و پسرهای مجرد نیستند

بسیاری از
اشعار سعدی
این خاصیت را
دارد که: نمی
توان در آن
روی تکنیک
یا استفاده از
یکی از صور
خیال‌انگشت
گذاشت

«سوپردلی» هیچ‌گاه به اندازه‌ی غزل‌های این سه بزرگوار موفق بوده‌اند؟ بگذریم. دلیل سومی که من هم تا اندازه‌ای با آن موافقم این است که: «رازی دارد این سادگی» که ما با پای استدلال فنی هنوز به آن نرسیده ایم. به قول دکتر شفیع در کتاب «موسیقی شعر» - ما تنها به بخشی از قوانین رستاخیز کلمات پی برده ایم باقی قوانین ممکن است بعدها رمزگشایی شوند. این قوانین همان قانون‌هایی است که غزل‌های زیبای سعدی را برای ما تابناک می‌کند:

«برقع بردار که بیگانه خود آن
روی نبیند/ تو بزرگی و در آینه‌ی
کوچک نمایی»/

بسیاری از اشعار سعدی این خاصیت را دارد که: نمی‌توان در آن روی تکنیک یا استفاده از یکی از صور خیال‌انگشت گذاشت (آن‌گونه که در سبک هندی می‌شود) اما این غزل‌ها بعد از ۸۰۰ سال هنوز دلربایی خود را حفظ کرده‌اند. یک کلام این‌که من سوالی را مطرح کردم که خودم هم جوابش را به درستی نمی‌دانم لاجرم این یادداشت را نوشتم که شما هم عجلتاً ندانید.

خرج داده؟ پس چه دلیلی باعث موفقیت بیشتر «خبر به دورترین نقطه‌ی جهان برسد» شده است؟ برای این سوال چند پاسخ احتمالی وجود دارد که باهم مرور می‌کنیم: بهترین دلیل اولی که ذکر می‌شود این است: «خوب کار اول ساده است. عامه پسند است. در ضمن عشقولانه است (با عرض معذرت از مخاطبان جدی ادبیات). خوب طبیعی است که همه برایش سر و دست بشکنند اما کار دوم خاص پسند است و عده‌ی خواص کمتر.»

دلیل قابل تاملی است اما چند سوال پیش می‌آید: اول چند درصد مردم عوام ما کتاب خوانند - آن هم کتاب شعر خوان - و چند درصد از این مردم کتاب نجمه زارع را خوانده‌اند، که ما علت موفقیت غزل‌های این کتاب را اقبال عمومی خوانندگان عوام بدانیم؟ دوم طبق نمونه‌ی آماری که اطراف من (و به گمان اطراف شما هم) مشاهده می‌شود اغلب کسانی با غزل شماره ۱ ارتباط برقرار کرده‌اند که اتفاقاً (و احتمالاً) از خواص جامعه‌ی ادبی ما هستند.

دلیل دومی که گاهی بیان می‌شود این است که: «غزل اول نسبت به غزل دوم از صمیمیت بیشتری برخوردار است و از آن‌جا که از دل برآمده لاجرم بر دل می‌نشیند.» این دلیل هم آسیب‌پذیری‌های خودش را دارد. یک آسیب این که این استدلال بر پایه‌ی تفکری است که شعر را احساس دل می‌داند و می‌پندارد شعر هرچه «دلی» تر، موفق‌تر. این طرز تفکر پایه‌ی سانتیمانتالیسم ادبی است. کسی نیست به این دوستان بگوید آخر برادر (و ایضاً خواهر) من. غزلی دلی‌تر از غزل سعدی و حافظ و مولانا تا به حال در عرصه‌ی ادبیات فارسی نبوده است؟ آیا این غزل‌های



است. در آیه ۲۴ سوره نسا خداوند می فرماید: هر آن چه را که از زنان بهره برده اید و از وصل آنان برخوردار شدید واجب است اجرة آنها را بپردازید و گناهی نیست بر شما در آن چه پس از مهریه توافق کنید. همانا خداوند دانا به نیازها و مصالح انسانها است و چون حکیم است به بهترین شیوه آنها را مرتفع می سازد.

پس به مجرد عقد زناشویی مهریه واجب می شود.

ابو مریم از امام صادق روایت می کند که متعه را قرآن آورد و سنت رسول خدا بود. ازدواج موقت در راستای ازدواج دائم است نه مقابل آن.

با توجه به پذیرش مسئله ای ازدواج موقت در خانواده ها متعه در شرایط اجتماعی ما چه کارکردی می تواند داشته باشد؟

همه فکر می کنند ازدواج موقت برای این است که زن ها و مرد ها از ازدواج موقت برای رفع نیاز جنسی استفاده کنند. در حالی که وقتی بررسی می شود می بینیم ازدواج موقت اهداف و کارکردهای متفاوتی دارد.

اگر دختر و پسر قبل از ثبت ازدواج دائم برای شناخت بیشتر یکدیگر با اجازه و اطلاع پدر دختر مدتی برای برقراری روابط مشروع و حلال آن را ضروری بدانند. که امروز این مسئله به نامزدی معروف است. در این شرایط می توانند از صبغه استفاده کنند تا دوران نامزدی آن ها به گناه آلوده نشود. اتفاقاً این یکی از راه کارهای بسیار خوب است که هم دختر و پسر مرتکب فعل حرام نشوند. هم اجازه مجامعت زناشویی را ندارند. و هم این که می توانند یکدیگر را بشناسند که بعداً زندگیشان منجر به طلاق و جدایی نشود.

در صورتی که امکان زندگی مشترک زناشویی فراهم نباشد، دختر و پسر تصمیم بگیرند بنا به مصالح مدتی را با ازدواج موقت طی کنند. ممکن است که نتوانند زندگی مشترک را تشکیل دهند و اعلام رسمی برای

بلکه طلاق داده ها و همسر مرده ها را هم شامل می شود. به این ترتیب مومنان را تشویق به آماده کردن مقدمات ازدواج آنها می کند، چه از طریق مالی و چه از طریق پا در میانی.

بنابراین اسلام اول دستور فراهم کردن وسایل دختران و پسران را داده است تا افراد مجبور به ازدواج موقت یا تعدد زوجات نباشند.

ازدواج موقت احکامی دارد که آن را از فحشا جدا می سازد زیرا احکام آن در مدت تعیین شده مانند ازدواج دائم است و پس از پایان یافتن مدت حداقل ۴۵ روز از ازدواج با دیگری خودداری می شود و زن باید ۴۵ روز عده نگه دارد.

ممکن است از سوء استفاده هایی از این حکم الهی بشود. اما مسلماً در موارد نیاز مانع اجرای این حکم الهی نمی شود.

ازدواج موقت یا متعه در چه شرایطی از سوی دین اسلام توصیه شده است؟

نکاح موقت از احکام مباح و برای شرایط استثنایی پیش بینی شده

ما می گوئیم اگر زن و مرد خود خواستند و توافق داشتند که این ازدواج ثبت شود که می توانند ثبت کنند اگر توافق نداشتند یا بنا بر مشکلات و گرفتاری ها خواستند آن را ثبت نکنند اما در صورتی که بچه دار شوند دیگر توافق لازم نیست

همه داشته باشند اما می خواهند با هم ازدواج کنند و صیغه ای بخوانند و به هم محرم شوند و زندگی زناشویی را شروع کنند بدون این که به خانه خود رفته باشند و وسایل و امکانات زندگی مشترک برای آنها فراهم شود.

زن و مرد می توانند زندگی زناشویی را با ازدواج موقت شکل دهند یعنی قبل از این که به محضر بروند و ازدواج دائمی را ثبت کنند می خواهند برای مدتی ازدواج موقت داشته باشند. این هم یکی دیگر از کارکردهای ازدواج موقت است.

ازدواج موقت می تواند برای برون رفت از زنا شود. اسلام نه تنها صیغه را برای مردی که دارای همسر صالح است به هیچ وجه توصیه نکرده است بلکه احکام دینی زن را موظف به تمکین از مکان و محل زندگی مرد نموده است که بهانه ای برای مرد متاهل باقی نماند. اما اگر مرد زن دار با زن بدون شوهر در معرض عمل فحشا و زنا قرار گرفتند ازدواج موقت برای برون رفت از گناهی کثیف که زنا است ضروری می نماید در شرایطی که یک مرد زن دارد یا ندارد با یک زنی که شوهر ندارد بالاخره در یک شرایطی قرار گرفتند که این دو به هم مایل شدند که می خواهند حتما با هم رابطه برقرار کنند این جا برای این که زنا اتفاق نیفتد و مرتکب گناه نشوند ازدواج موقت لازم است.

بنا بر این ازدواج موقت شامل مردان فاقد همسر و یا مردان زن داری می شود که فاقد شرایط احصار باشد (در حصار خانواده نباشد). یعنی اگر مردی دارای خانواده و زن است و همسرش از او تمکین می کند اسلام ازدواج موقت را برای او نگفته است ولی اگر در شرایط احصار نبود مثلا؛ زن تمکین نمی کرده، زن خانه را ترک کرده است، زن مبتلا به بیماری شده است که قادر به انجام وظایف زناشویی نیست یا زن در زندان است و مرد نمی خواهد ازدواج مجدد داشته باشد می تواند ازدواج موقت داشته باشد.

آیا ازدواج موقت یک آسیب اجتماعی به حساب می آید یا برای

برون رفت از آسیب اجتماعی شکل گرفته است؟

در برخی از جوامع رابطه محرم و نامحرم آزاد است و آزادی و بی قیدی گسترده ای میان زنان و مردان در کشور های به ظاهر متمدن وجود دارد به گونه ای که مرد یا زن غربی بارها مرتکب عمل منافعی عفت می شوند در حالی که این عمل اصلا گناه و خطا و جرم محسوب نمی شود، اما در جوامع اسلامی حتا نگاه کردن به نامحرم حرام است و زنا جرم نا بخشودنی محسوب می شود و مرتکب آن مستحق مجازات است. بنابراین برای این که جامعه مبتلا به زنا نشود باید راه کار و عوامل برون رفتی از زنا و فحشا باشد که مردم گرفتار زنا و مجازات زنا کاری نشوند.

آیا ازدواج موقت مشروعیت قانونی دارد؟

چنانچه امر دایر شد به این که زنا با عواقب آن انجام بگیرد یا ازدواج موقت، مسلما هر عقل سلیمی راه دوم را به صلاح می داند زیرا متعه دارای احکام روشن (مهریه، زمان معین و عقد ازدواج موقت) است. با عقد ازدواج موقت انجام می شود و زن باید عده نگه دارد و برای زن و مرد محدودیت آور است لذا ازدواج موقت برای پاسداری جامعه مفید و ضروری است. چنانچه برخی از این حکم الهی سوء استفاده کنند و آن را بهانه ای برای هوس رانی قرار دهند دچار اشتباه جبران ناپذیری شده اند چرا که اسلام دین هوس بازی و نفس گرایی نیست.

قانونی شدن ازدواج موقت در شرایط اجتماعی و فرهنگی و سیاسی

جامعه ما را چه طور ارزیابی می کنید؟

آن چیزی که در حال حاضر در لایحه ای حمایت از خانواده است و اصلاحاتی بر آن صورت گرفته است و خود ما هم اصلاحاتی به مجلس داده ایم و این اصلاحات انجام شده است. ما با آن چه در کمیسیون آمده است موافقیم. یعنی ما می گوئیم اگر زن و مرد خود خواستند و توافق داشتند که این ازدواج ثبت شود که می توانند ثبت کنند اگر توافق نداشتند یا بنا بر مشکلات و گرفتاری ها خواستند آن را ثبت نکنند اما در صورتی که بچه دار شوند دیگر توافق لازم نیست. اگر از این ازدواج بچه ای درست شد در آن صورت قانون الزام می کند که ازدواج را ثبت کنند، که بچه با پدر نا معلوم به دنیا نیاید. در حالی که در گذشته این گونه نبود. بچه ی ازدواج صیغه ای اگر پدر راضی نمی شد تکلیفی نداشت. و حتا بعضی وقت ها انکار می کرد. ولی در حال حاضر قانون می گوید اگر بچه به دنیا بیاید باید ازدواج ثبت شود تا آن بچه دارای پدر باشد و پدر باید برای بچه نفقه بپردازد و بچه از پدر ارث می برد در واقع این حقوق را برای فرزند قایلند و آن زن هم مرتکب گناه نشده است. بنا بر این ما با آن موافقیم.

آیا قانون اساسی در مسئله ازدواج موقت به حقوق زن توجه دارد؟

قانون اساسی که در واقع بنیان گذار سیاست کلی کشور است در امر خانوادگی شخصیت و حقوق زن را در اولویت قرار داده است لذا باید با محور قرار دادن جایگاه حقوقی و ارزشی زنان در خانواده و جامعه به مسایل حقوقی ازدواج پرداخت.

قانون برای ازدواج موقت دختر باکره اذن پدر را لازم می داند؟

دختر باکره ازدواج موقت یا دائم را بدون اذن پدر نمی تواند انجام دهد. حتا اگر تحت شرایطی قرار داشته باشد که دختر باکره پدر نداشته باشد و جد پدری و عمو هم نداشته باشد در آن صورت باز هم باید با اجازه حاکم شرع ازدواج کند. اذن پدر در ازدواج برای آن به جهت ازدواج دختر باکره وجود دارد که ازدواج اول برای دختر تجربه نشده است و احتمال دارد دختر سرمایه اش از بین برود، ممکن است بهش ظلم شود یا ضرری را متحمل شود، اذن پدر به خاطر حمایت حقوقی، اجتماعی و خانوادگی از دختر است. دخالت پدر در ازدواج دختر به خاطر داشتن پشتوانه برای دختر پیش بینی شده است. و الا در ازدواج دائم هم اگر پدر زور گو باشد یا خو خواه باشد و مصالح دختر را در نظر نگیرد در آن صورت دختر می تواند با اجازه حاکم شرع ازدواج کند بنابراین هیچ منعی برای این که از پدر اجازه گرفته شود وجود ندارد منتهی پدر باید با خبر باشد تا دختر باکره حق و حقوقش از بین نرود.

در شرایطی که یک مرد زن دارد یا ندارد با یک زنی که شوهر ندارد بالاخره در یک شرایطی قرار گرفتند که این دو به هم مایل شدند که می خواهند حتما با هم رابطه برقرار کنند این جا برای این که زنا اتفاق نیفتد و مرتکب گناه نشوند ازدواج موقت لازم است